

Validation of an Entrepreneurship Education Curriculum Model for Students of Nomadic Schools at the Upper Secondary Level

Sadegh Maleki Avarsin^{1✉} | Yousef Adib² | Mahtab Shakoori Zargabad³

1. Professor of Educational Administration, Department of Educational Governance and Human Capital, Faculty of Islamic Education, Ta.C, Islamic Azad University, Tabriz, Iran. (Corresponding author). Email: s.maleki@iaut.ac.ir
2. Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: adib@tabrizu.ac.ir
3. PhD Student in Curriculum, Faculty of Islamic Education, Ta.C, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran, Email: dr.shakoori.na2021@gmail.com

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	The purpose of this study was to validate the entrepreneurship education curriculum model for students in secondary school nomadic schools. Entrepreneurship education in nomadic communities is of particular importance due to its role in empowering students, fostering individual and social skills, and enhancing their preparedness to address future economic and occupational challenges. Therefore, validating curriculum models that are aligned with the characteristics and educational needs of this group of students is considered essential. In terms of purpose, this study was applied research, and in terms of methodology, it employed a descriptive-survey design based on the structural equation modeling (SEM) approach. The statistical population consisted of curriculum studies experts affiliated with universities and entrepreneurship education instructors working in secondary schools across West Azerbaijan Province. Given the limited size of the target population, a census sampling method was adopted, resulting in the participation of 234 respondents. Data were collected using a researcher-developed questionnaire designed based on the findings of the qualitative phase of Shakouri et al.'s (2025) study. Following the assessment of content validity, construct validity, and instrument reliability, Cronbach's alpha coefficient was found to be 0.822, indicating satisfactory internal consistency. The collected data were analyzed using SmartPLS and structural equation modeling. The findings demonstrated that the measurement model possessed adequate convergent validity ($AVE > 0.50$) and composite reliability ($CR > 0.70$). Furthermore, the coefficient of determination was 0.424, and the overall goodness-of-fit index ($GOF = 0.522$) indicated an acceptable fit of the proposed model. Based on these results, the entrepreneurship education curriculum model exhibited satisfactory validity, and its structure, components, and interrelationships were confirmed. Consequently, effective implementation of this curriculum model can provide an appropriate framework for developing and strengthening the entrepreneurial competencies of nomadic high school students.
Article history: Received: 4 April 2026 Received in revised form: 4 May 2026 Accepted: 31 May 2026 Published online: 21 June 2026	
Keywords: Entrepreneurship education; Validation; Curriculum; Nomadic students; Upper secondary education.	

Cite this article: Maleki Avarsin, Sadegh., Adib Yousef., & Shakoori Zargabad, Mahtab. (2026). Validation of an Entrepreneurship Education Curriculum Model for Students of Nomadic Schools at the Upper Secondary Level. *Journal of Creative and Effective Education*, 2 (1), 1-26.

DOI: 10.22111/Cee.2026.55672.1031



اعتباریابی الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی ویژه دانش آموزان مدارس عشایری دوره دوم متوسطه

صادق ملکی آوارسین^۱ | یوسف ادیب^۲ | مهتاب شکوری زرگ آباد^۳

۱. استاد مدیریت آموزشی، گروه حکمرانی آموزشی و سرمایه انسانی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول)
 رایانامه: s.maleki@iaut.ac.ir
۲. استاد گروه علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. رایانامه: adib@tabrizu.ac.ir
۳. دانشجوی دکترای رشته برنامه ریزی درسی، دانشکده تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه آزاد، واحد تبریز، تبریز، ایران.
 رایانامه: dr.shakoori.na2021@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	هدف پژوهش حاضر اعتباریابی الگوی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی ویژه دانش‌آموزان مدارس عشایری دوره دوم متوسطه بوده است. توجه به آموزش کارآفرینی در جوامع عشایری به دلیل نقش آن در توانمندسازی دانش‌آموزان، توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی و افزایش آمادگی آنان برای مواجهه با چالش‌های اقتصادی و شغلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از این‌رو، اعتبارسنجی الگوهای برنامه‌ی درسی متناسب با ویژگی‌ها و نیازهای این گروه از دانش‌آموزان ضروری به نظر می‌رسد. پژوهش از نظر هدف، کاربردی و به لحاظ شیوه اجرا، توصیفی - پیمایشی مبتنی بر رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری را متخصصان حوزه مطالعات برنامه درسی مراکز دانشگاهی و هنرآموزان آموزش کارآفرینی مدارس دوره دوم متوسطه استان آذربایجان غربی تشکیل دادند. باتوجه به محدود بودن جامعه آماری، از روش سرشماری استفاده شد و در مجموع ۲۳۴ نفر در پژوهش شرکت کردند. داده‌های موردنیاز از طریق پرسشنامه محقق ساخته که بر اساس یافته‌های بخش کیفی پژوهش شکوری و همکاران (۱۴۰۴) تدوین شده بود، گردآوری شد. پس از بررسی روایی محتوایی، روایی سازه و پایایی ابزار، ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲۲ به دست آمد که بیانگر پایایی مطلوب پرسشنامه بود. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Smart PLS و روش مدل‌یابی معادلات ساختاری تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که مدل اندازه‌گیری از روایی همگرا ($AVE > 0.5$) و پایایی مرکب ($CR > 0.7$) مطلوبی برخوردار است. همچنین، مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۴۲۴ و شاخص برازش کلی مدل ($GOF = 0.522$) به دست آمد که حاکی از برازش مناسب الگوی پیشنهادی است. بر این اساس، الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی از اعتبار لازم برخوردار بوده و ساختار، مؤلفه‌ها و روابط میان عناصر آن مورد تأیید قرار گرفت. در نتیجه، اجرای اثربخش این الگو می‌تواند زمینه مناسبی برای توسعه و تقویت شایستگی‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان مدارس عشایری فراهم سازد.

استناد: ملکی آوارسین، صادق؛ ادیب، یوسف و شکوری زرگ‌آباد، مهتاب. (۱۴۰۵). اعتباریابی الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی ویژه دانش آموزان مدارس عشایری دوره دوم متوسطه، آموزش خلاق و اثربخش، ۱(۱۲)، ۲۶-۱.

DOI: 10.22111/Cee.2026.55672.1031



۱- مقدمه

امروزه «آموزش کارآفرینی»^۱ در نظام‌های آموزشی سراسر دنیا مورد توجه ویژه قرار گرفته است (اوتمان و اوتمان^۲، ۲۰۱۷). آموزش کارآفرینی یکی از عوامل مهم توسعه اقتصادی است که برای پویایی و رشد آن، مدرسه باید با دنیای واقعی پیوند داشته باشد و علاوه بر ارائه دانش تخصصی در زمینه‌های علمی، به دانش‌آموزان در کسب دانش و مهارت‌های لازم برای مواجهه موفقیت‌آمیز با موقعیت و الزامات عصر جدید، از جمله تفکر کارآفرینی، یاری رساند (مقام‌دوست، حاتمی، طلایی و شمس، ۱۳۹۸).

آموزش کارآفرینی یک فرآیند یادگیری است که با هدف توسعه دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های لازم برای تبدیل شدن فرد به یک کارآفرین موفق انجام می‌شود. آموزش کارآفرینی فراتر از انتقال دانش مرسوم کسب و کار است و بر توسعه توانایی‌های تفکر خلاق، نوآورانه و کارآفرینانه تأکید دارد (محمودین^۳، ۲۰۲۳) و در مدارس می‌تواند بر نگرش دانش‌آموزان و چشم‌انداز شغلی آنها تأثیر مثبت داشته باشد (غفرانی و همکاران، ۱۴۰۱)، صلاحیت‌های کارآفرینی را توسعه دهد (راتکوویچ، اسلوگار و شوکچویچ^۴، ۲۰۱۶) و زمینه بروز خلاقیت و نوآوری در آنها را فراهم آورد (طیبنیا و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین، به تقویت تفکر کارآفرینی (ژانگ^۵، ۲۰۲۰) و شکل‌گیری هویت کارآفرینی (پریدی و همکاران^۶، ۲۰۲۵) کمک کند.

براین اساس، امروزه کارکرد اصلی مدارس دیگر آموزش صرف دانش و اطلاعات به دانش‌آموزان نیست؛ بلکه آمادگی برای زندگی و کسب مهارت‌های زندگی و اشتغال مهمترین رسالت مدارس است (کاریونو^۷، ۲۰۱۷). در واقع، هدف اصلی از آموزش کارآفرینی در مدارس انتقال دانش و مهارت‌های کارآفرینی و تربیت دانش‌آموزانی است که قادر باشند پس از فارغ‌التحصیلی شغل جدیدی همراه با نوآوری و خلاقیت ایجاد کنند (فلوریس و پیللیتو^۸، ۲۰۱۹).

نظر به اینکه برای آموزش هر موضوعی، بستر و زمینه مناسبی لازم است؛ برنامه‌های درسی، بستر و زمینه لازم برای آموزش کارآفرینی در مدارس را فراهم می‌کنند (نیک و کوربت^۹، ۲۰۱۸). برنامه‌ی درسی کارآفرینی شامل برنامه‌ریزی‌های علمی و عملی مناسب جهت افزایش توانمندی‌های کارآفرینی بوده که در قالب محتوای درسی ارائه می‌شود (مرتضی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۶). در واقع، برنامه‌ی درسی کارآفرینی بر این موضوع تمرکز دارد که دانش‌آموزان بتوانند تا حدودی از قابلیت‌های کارآفرینی و مهارت‌های لازم نسبت به مشاغل در آینده برخوردار شوند (دین، انور و عثمان^{۱۰}، ۲۰۱۶). نتایج مطالعات گوناگون مبین آن است که برنامه‌ی درسی کارآفرینی می‌تواند دانش-آموزان را مسئولیت‌پذیرتر کند و آنها را برای مقابله با چالش‌های کسب و کار آماده‌تر نماید و به طور کلی نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان را کاهش دهد (هاردی، هایفیلد و لی^{۱۱}، ۲۰۲۰). با این حال، در کشور ما به دلیل حاکمیت نظام

1. Entrepreneurship

2. Othman & Othman

3. Mahmudin

4. Ratković, Šlogar & Šokčević

5. Zhang

6. Preedy et al

7. Karyono

8. Floris & Pillitu

9. Neck & Corbett

10. Din, Anuar & Usman

11. Hardie, Highfield & Lee

آموزشی متمرکز، همه‌ی دانش‌آموزان صرف‌نظر از تفاوت‌های فردی و اجتماعی، فرهنگی، سبک زندگی و اقتضائات محیط‌زیست خود، تحت تعلیم و تربیت یک برنامه‌ی درسی واحد قرار دارند، در نتیجه‌ی عدم تطابق برنامه‌های موجود با نیازهای واقعی دانش‌آموزان در مناطق مختلف، متأسفانه هر روز بر تعداد فارغ‌التحصیلان بیکار افزوده می‌شود؛ چراکه آنها توانایی‌ها و مهارت‌های عملی و کاربردی لازم برای ایجاد کسب‌وکار و خوداشتغالی را ندارند (امیدی و همکاران، ۱۳۹۸).

این موضوع در مورد دانش‌آموزان خانواده‌های عشایر مشکل مضاعفی ایجاد می‌کند؛ چراکه این دانش‌آموزان به دلیل کوچ‌نشینی و زندگی در مناطق دورافتاده و محروم و همچنین عدم برخورداری از فرصت‌های عادلانه تحصیلی، فقر مالی و غیره، از آموزش باکیفیت بی‌بهره‌اند (معمودی‌راد و همکاران، ۱۴۰۳). نتایج پژوهش‌های متعددی مانند خالدي و ببادی‌عکاشه (۱۴۰۲)، فرمهبینی‌فراهانی و همکاران (۴۰۰)، محمودی و همکاران (۱۳۹۹)، سورش و سرینیواسان^۱ (۲۰۱۹) و اُردهو، واورو و گیتنج^۲ (۲۰۱۴) نشان داده است، دانش‌آموزان مدارس عشایری از برنامه‌ی درسی مناسب برخوردار نیستند. از طرفی، این گروه از دانش‌آموزان به دلیل شرایط خاص زندگی، مجبور به انجام امور گوناگون (کشاورزی، چرای دام و غیره) برای امرار معاش خانواده خود هستند و زمان کافی برای حضور مداوم در مدرسه را ندارند (اسماعیل‌علی^۳، ۲۰۱۹). براین اساس، آموزش کارآفرینی در تجهیز دانش‌آموزان عشایری به مهارت‌های کارآفرینی که آنها را قادر به مشارکت در امرار معاش مولد کند، کاملاً ضروری است.

در واقع، آموزش کارآفرینی با هدف آگاه نمودن و ترویج فرهنگ و روحیه کارآفرینی در بین دانش‌آموزان، باعث تأثیر در بینش آنها نسبت به کارآفرینی به‌عنوان یک انتخاب شغلی می‌گردد. ضمناً توانمندی‌های آنها را از لحاظ خلاقیت، توانایی شناخت و استفاده صحیح از فرصت‌ها، تمایل به مخاطره‌پذیری، استقلال، تعهد نسبت به کار، تمایل به حل مشکلات، بهبود انگیزش و تمایلات فردی برای کارآفری شدن افزایش می‌دهد و راه دستیابی به موفقیت را روش می‌سازد (خلیلی و حق‌پرست، ۱۳۹۲). از این‌رو، اگرچه در چندسال گذشته تغییرات قابل توجهی در ساختار و عملکرد سیاست آموزشی ایران صورت گرفته و موضوع آموزش کارآفرینی در نظام تعلیم و تربیت کشور ما نیز مطرح گردیده است؛ اما یافته‌های تحقیقات گوناگون حاکی از آن است که هنوز کاستی‌ها و مشکلات فراوانی در این زمینه وجود دارد. از جمله می‌توان به پایین بودن سرمایه‌گذاری‌ها، عدم توجه به ابعاد و اهداف توسعه و آموزش کارآفرینی، کم-توجهی به آموزش عملی، عدم تطابق محتوای برنامه‌های درسی با شرایط و نیازهای بازار کار و غیره اشاره کرد (فرهادی و همکاران، ۱۴۰۲).

رضایی، نادری و صفری (۱۳۹۹) نیز گزارش کرده‌اند، نبود علاقه و انگیزه، پایه علمی ضعیف دانش‌آموزان، عدم ارتباط مناسب بین علم و صنعت، وضعیت نامناسب فیزیکی هنرستان‌ها، استفاده از معلمان غیرمتخصص در آموزش کارآفرینی، استفاده از روش‌های نامناسب تدریس، عدم اختصاص بودجه کافی به هنرستان‌ها، کمیت و کیفیت پایین تجهیزات و امکانات آموزشی، از جمله مشکلات و موانع توسعه دانش و مهارت‌های کارآفرینی در مدارس هستند. باتوجه به مطالب فوق، هدف نهایی هر برنامه‌ی درسی، رفع نیازهای فردی و اجتماعی دانش‌آموزان است. بنابراین، تدوین یک برنامه‌ی درسی منطقی و منسجم برای آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان عشایری مطابق با شرایط و

¹. Suresh & Srinivasan

². Orodho et al

³. Ismail Ali

مقتضیات زندگی آنها کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. به این دلیل، اعتباریابی الگوی جایگزین و مناسب برنامه‌ی درسی اشتغال‌زا با عناصر کارآفرینی، یکی از مهمترین دلایل انجام پژوهش حاضر است. از طرفی، بر اساس شواهد موجود، تاکنون پژوهشی در این زمینه انجام نشده و به‌نوعی خلاء پژوهشی وجود دارد. لذا، مطالعه حاضر بنابه تأکید اسناد بالادستی آموزش و پرورش از جمله سند تحول بنیادین بر تربیت اقتصادی دانش‌آموزان توانمند و کارآفرین، در صدد پاسخ به این سوال اصلی است که آیا الگوی پیشنهادی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی ویژه دانش‌آموزان عشایری دوره دوم متوسطه (شکوری و همکاران، ۱۴۰۴) از اعتبار لازم برخوردار است؟

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

آموزش کارآفرینی قدمت طولانی دارد و به اوایل قرن نوزدهم برمی‌گردد. بررسی منابع نشان می‌دهد که این شکل آموزش کسب و کار در دهه ۱۹۷۰ در مدارس بازرگانی ایالات متحده ظهور کرد و در طول دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به رشد قابل توجهی رسید. از دهه‌ی ۱۹۹۰، آموزش کارآفرینی به تمام حوزه‌های آموزش عالی و به‌ویژه در سطح بین‌المللی گسترش یافته است. از اوایل دهه ۲۰۰۰، این پدیده به یک پدیده جهانی تبدیل شده و تعداد فراگیران، دوره‌ها و برنامه‌های آن در سراسر جهان افزایش یافته است (کوراتکو و موریس^۱، ۲۰۱۸).

هرچند تعاریف گوناگون از کارآفرینی ارائه شده، اما توافق کلی بر روی یک تعریف واحد وجود ندارد. در کل می‌توان گفت، کارآفرینی رشته‌ای از مطالعات است که ارزش‌ها، مهارت‌ها و رفتارهای فرد را در رویارویی با چالش‌های زندگی و شناسایی فرصت‌ها و در عین حال مدیریت عوامل خطر به‌طور همزمان بررسی می‌کند. کارآفرینی به‌عنوان یک رشته، شامل فرآیندی منظم از به‌کارگیری خلاقیت و نوآوری مطابق با نیازها و فرصت‌های بازار است. این تعریف از کارآفرینی شامل دو جنبه‌ی مهم آموزش کارآفرینی است: اول، توانایی شناسایی نیازها و فرصت‌های بازار و دوم، قابلیت توسعه‌ی خلاقیت و نوآوری برای پاسخ‌گویی به این نیازها و فرصت‌های بازار کار (آرانسیاه، فورکونیاه و رینی^۲، ۲۰۲۳). علاوه بر این، آموزش کارآفرینی به فراگیران یاد می‌دهد تا خلاقانه فکر کنند، نوآور باشند، اعتماد به‌نفس داشته و در شروع و اداره کسب و کار ریسک‌پذیر باشند (آجانی^۳، ۲۰۲۴).

هرچند رویکردهای نظری گوناگون در خصوص آموزش کارآفرینی وجود دارد، یکی از رویکردهای مهم که مبنای علمی پژوهش حاضر را نیز تشکیل می‌دهد، «نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده»^۴ است. این رویکرد به‌عنوان یک چارچوب نظری قوی برای درک عوامل مؤثر بر پذیرش برنامه‌ی درسی کارآفرینی در بین دانش‌آموزان روستایی عمل می‌کند. این نظریه فرض می‌کند که قصد افراد برای انجام یک رفتار توسط نگرش‌ها، هنجارهای ذهنی و کنترل رفتاری درک‌شده آنها تعیین می‌شود. در زمینه آموزش کارآفرینی، نظریه برنامه‌ریزی شده، بینش‌هایی در مورد چگونگی تأثیر نگرش دانش‌آموزان روستایی نسبت به کارآفرینی، تأثیر هنجارهای اجتماعی و توانایی درک‌شده آنها برای مشارکت در فعالیت‌های کارآفرینی بر قصد آنها برای شرکت در برنامه‌ی درسی کارآفرینی ارائه می‌دهد (ابراهیم و همکاران^۵، ۲۰۲۳).

^۱ Kuratko and Morris

^۲ Aransyah, Fourqoniah & Riani

^۳ Ajani

^۴ Theory of planned behavior (TPB)

^۵ Ibrahi et al

(۲۰۲۱). لذا با بکارگیری این نظریه، می‌توان عوامل تعیین‌کننده روانشناختی و تأثیر آنها بر مشارکت دانش‌آموزان روستایی در آموزش کارآفرینی را بررسی کرد.

ادبیات پیرامون آموزش کارآفرینی و تأثیر آن بر توانمندسازی دانش‌آموزان روستایی برای توسعه اجتماعی-اقتصادی در بسیاری از کشورها، چندوجهی و غنی از بینش است. مطالعات متعددی بر اهمیت آموزش کارآفرینی در تجهیز دانش‌آموزان به دانش، مهارت‌ها و نگرش‌های لازم برای شناسایی و دنبال کردن فرصت‌های کارآفرینی و در نتیجه کمک به توسعه اقتصادی محلی تأکید دارند (راتن و جونز^۱، ۲۰۲۱). در این راستا، آجانی (۲۰۲۴) استدلال می‌کند که آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک مؤلفه‌ی حیاتی در توسعه برنامه درسی، به‌ویژه در پرداختن به چالش‌های اقتصادی جوامع روستایی، شناخته شده است. نتایج تحقیقات حاکی از آن است، برنامه‌های آموزش کارآفرینی می‌توانند به‌طور قابل توجهی نیت کارآفرینی و خودکارآمدی دانش‌آموزان را افزایش دهند، به‌ویژه هنگامی که از سنین پایین در برنامه‌ی درسی گنجانده شوند (رافائل^۲، ۲۰۲۲).

این امر بر پتانسیل برنامه‌ی درسی کارآفرینی برای پرورش فرهنگ کارآفرینی و نوآوری در جوامع روستایی و در نتیجه پیشبرد توسعه اجتماعی-اقتصادی تأکید می‌کند (موراوسکا-یانسلویچ^۳، ۲۰۲۲). از طرفی، آموزش کارآفرینی با فراهم کردن فرصت‌هایی برای توانمندسازی اقتصادی و تحرک اجتماعی برای گروه‌های حاشیه‌نشین، مانند دانش‌آموزان روستایی، نقش حیاتی در رفع نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی ایفا می‌کند (راتن و عثمانیچ^۴، ۲۰۲۰). علاوه بر این، ادبیات موضوع بر اهمیت رویکردهای خاص به آموزش کارآفرینی که نیازها و چالش‌های منحصر به فرد جوامع روستایی را در نظر می‌گیرند، تأکید می‌کند (سانسون و همکاران^۵، ۲۰۲۱). این امر مستلزم توسعه‌ی برنامه‌ی درسی کارآفرینی مرتبط با فرهنگ و متناسب با بافت محلی است که با تجربیات و آرزوهای دانش‌آموزان روستایی طنین‌انداز شود (اسکات و ایوالا^۶، ۲۰۱۹). در ادامه نیز به‌منظور شناخت بهتر پیشینه علمی، نتایج برخی پژوهش‌های مشابه داخل و خارج کشور مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جعفرپور، هاشمی و ماشینچی (۱۴۰۳) پژوهشی با هدف طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه‌ی درسی کارآفرینی مدارس متوسطه در راستای سیاست‌های کلی کارآفرینی نظام انجام دادند. یافته‌های پژوهش نشان داد، چارچوب‌ها و خط‌مشی‌های طراحی الگوی برنامه‌ی درسی کارآفرینی مدارس متوسطه بر اساس اسناد و مدارک مربوطه در قالب ۹ عنصر قابل تدوین است که ۶۱/۲۱٪ از واریانس کل را توضیح می‌دهد و مدل برنامه‌ی درسی پیشنهادی معتبر است. طیب‌نیا و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی از نوع تطبیقی به واکاوی برنامه درسی کارآفرینی مدارس ایران و ۹ کشور اروپایی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، هدف مدارس از اجرای برنامه درسی کارآفرینی، ارتقای سطح دانش، مهارت و نگرش دانش‌آموزان نسبت به موضوع کارآفرینی است. فرایند انجام فعالیت کارآفرینی به‌شکل تئوری و عملی و نوعاً در قالب راه‌اندازی کسب و کار و همچنین انجام پروژه‌های کارآفرینی می‌باشد. زمان‌بندی آموزش در قالب برنامه‌هایی در کلاس‌های عادی، کارآفرینی و فوق‌برنامه و بصورت یک تاچند ساعت در هفته انجام می‌گیرد. ارزیابی

1. Ratten & Jones

2. Raphael

3. Morawska-Jancelewicz

4. Ratten & Usmanij

5. Sansone et al

6. Scott & Ivala

فعالیت کارآفرینی به شکل‌های مختلفی مثل میزان موفقیت دانش‌آموزان در راه اندازی و اداره کسب و کار، گزارشات پیشرفت پروژه‌ها و میزان توسعه مهارت‌های آن‌ها صورت می‌گیرد.

موبانگو، پترونلا و رجیس^۱ (۲۰۲۵) در تحقیقی آموزش کارآفرینی در فضاهای آموزشی روستایی را برای افزایش اشتغال‌پذیری و توسعه پایدار با رویکرد کمی بررسی کردند. یافته‌ها نشان داد که دسترسی محدود به برنامه‌های کارآفرینی ساختاریافته وجود دارد. برنامه‌هایی که با نیازهای جامعه همسو بودند، به دلیل تناسب محلی خود، نتایج بهتری نشان دادند. با این حال، شکاف‌هایی از جمله مشکلات زیرساختی وجود دارند. این مطالعه، تلفیق سیاست‌ها را از طریق گنجاندن آموزش کارآفرینی در برنامه‌های درسی روستایی با محتوای محلی برجسته کرده و توانمندسازی معلمان با مهارت‌ها و منابع عملی کارآفرینی برای راهنمایی مؤثر دانش‌آموزان را مورد تأکید قرار می‌دهد.

آجانی (۲۰۲۴) در پژوهشی از نوع مرور نظام‌مند، نقش برنامه‌ی درسی کارآفرینی در توانمندسازی دانش‌آموزان روستایی برای توسعه اجتماعی-اقتصادی در آفریقای جنوبی را بررسی و نتیجه گرفت، آموزش کارآفرینی به‌عنوان ابزاری برای مقابله با بیکاری و فقر، به‌ویژه در مناطق روستایی، اهمیت زیادی دارد. در واقع، برنامه درسی کارآفرینی بر توانمندسازی دانش‌آموزان روستایی و توسعه اجتماعی-اقتصادی مناطق محروم کمک می‌کند.

مونیارادزی اندوفایرپی^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند، توسعه نگرش کارآفرینی بطور مستقیم بر اهداف کلی کارآفرینی و دیگر ویژگی‌های شخصیتی کارآفرین تأثیر دارد. بنابراین، قرار گرفتن دانش‌آموزان در معرض آموزش کارآفرینی نتایج مطلوبی در تحول روانی آنها دارد و لازم است که معلمان محتوای دروس و شیوه آموزش خود را متناسب با نیاز دانش‌آموزان تنظیم کنند.

در نهایت می‌توان گفت، آموزش کارآفرینی نقش مهمی در پرورش نوآوری، خلاقیت و خوداتکایی دانش‌آموزان، به ویژه در جوامع روستایی، ایفا می‌کند. با این حال، دانش‌آموزان عشایر اغلب با چالش‌های منحصر به فردی، مواجه هستند. با درک اینکه چگونه برنامه درسی کارآفرینی می‌تواند به این چالش‌ها بپردازد و دانش‌آموزان روستایی را توانمند سازد، سیاست‌گذاران، مربیان و رهبران جامعه می‌توانند مداخلات مؤثرتری را برای ارتقای توسعه اجتماعی-اقتصادی در مناطق روستایی پیش‌بینی و اجرا کنند.

۳- روش‌شناسی و داده‌های تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی^۳ و به لحاظ شیوهی اجرا از نوع توصیفی-پیمایشی مبتنی بر رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه‌ی آماری شامل متخصصان حوزه‌ی مطالعات برنامه‌ی درسی و هنرآموز آموزش کارآفرینی مدارس دوره‌ی متوسطه استان آذربایجان غربی بودند که از بین آنها نمونه‌ای به حجم ۲۳۴ نفر به شیوه سرشماری انتخاب شدند. داده‌های لازم بوسیله پرسشنامه محقق‌ساخته بر اساس نتایج بخش کیفی پژوهش شکوری و همکاران (۱۴۰۴) مبنی بر طراحی الگوی آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان مدارس عشایری دوره دوم متوسطه (شکل ۱)، جمع‌آوری شده است. نسخه اولیه پرسشنامه مذکور مشتمل بر ۱۵۳ گویه و ۱۳ مؤلفه بود که دیدگاه افراد نمونه

¹. Mubango, Petronella & Regis

². Munyaradzi Ndofirepi

³. Applied

آماري را بر اساس طيف ۵ درجه‌اي ليکرت مورد سنجش قرار مي‌داد. بعد از اجرائي مقدماتي و انجام تحليل عاملي، تعداد ۱۳ گويه (سنجه) ضريب همبستگي حداقل ۰/۴ را نشان ندادند و از جمع گويه‌ها حذف شدند. در نهايت، نسخه نهايي ابزار با ۱۴۰ گويه تهيه گرديد. در ادامه روايي^۱ آن به دو روش مورد بررسي قرار گرفت؛ ابتدا به شکل صوري و محتوايي نظرات چهار نفر از افراد متخصص ارزيايي و ضمن انجام اصلاحات لازم، روايي سازه يعني محاسبات مربوط به روايي همگرا^۲ و روايي واگرا^۳ با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پي. ال. اس^۴ انجام گرفت. جهت اطلاع از پايايي^۵ ابزار نيز از روش‌هاي گوناگون روش آلفاي کرونباخ، تعيين ضرايب بارهاي عاملي گويه‌ها در برازش مدل‌هاي اندازه‌گيري و محاسبه‌ي شاخص پايايي مرکب^۶ (CR) استفاده شد. درکل نتايج نشان داد، همه‌ي ضرايب بزرگتر از ۰/۷ تعيين شده‌اند که حاكي از پايايي قابل قبول ابزار اندازه‌گيري است (جدول ۱). در نهايت جهت تجزيه و تحليل داده‌هاي پژوهش نيز از نرم‌افزارهاي Spss و Smart PLS و روش مدل‌سازي معادلات ساختاري استفاده گرديد.

۴- تجزيه و تحليل نتايج

براي اعتبارسنجي الگوي برنامه‌ي درسي آموزش کارآفريني دانش‌آموزان مدارس عشايري از تکنیک مدل‌يابي معادلات ساختاري به روش حداقل مربعات جزئي استفاده شده است. در اين رويکرد، دو مدل (مدل اندازه‌گيري يا بيروني و مدل ساختاري يا دروني) آزمون مي‌شوند که در ادامه به هريک از آنها پرداخته شده است.

۴-۱. برازش مدل اندازه‌گيري

براي آزمون مدل اندازه‌گيري تحقيق از سه معيار (بارهاي عاملي، ضريب آلفاي کرونباخ و پايايي مرکب)، آزمون‌هاي روايي همگرا و روايي واگرا استفاده شد. نتايج حاصل در جدول (۱) گزارش شده است.

جدول (۱). مقادير ضرايب پايايي کرونباخ، ترکيبي و ميانگين واريانس استخراجي

عناصر الگوي آموزش کارآفريني	ضريب آلفاي کرونباخ (Alpha > 0.7)	ضريب پايايي ترکيبي (CR > 0.7)	ميانگين واريانس استخراجي AVE > 0.5
منطق و چرایی	۰/۷۹۸	۰/۸۴۹	۰/۶۱۶
اصول اساسي	۰/۸۹۷	۰/۹۱۲	۰/۵۸۴
اهداف آموزشي	۰/۹۲۶	۰/۹۳۴	۰/۶۴۵
محتوای آموزشي	۰/۹۱۴	۰/۹۲۴	۰/۶۳۶
شيوه‌هاي تدريس	۰/۸۴۸	۰/۸۷۶	۰/۶۱۵
تجارب يادگيري	۰/۹۱۰	۰/۹۲۲	۰/۵۸۷
مواد و منابع آموزشي	۰/۸۰۵	۰/۸۴۸	۰/۵۸۸
نقش معلم	۰/۸۸۴	۰/۹۰۴	۰/۶۲۷

۱. Validity

۲. Convergent Validity

۳. Divergent validity

۴. Smart PLS

۵. Reliability

۶. Composite Reliability (CR)

نقش دانش آموز	۰/۷۰۳	۰/۸۱۸	۰/۷۳۵
محیط یادگیری	۰/۷۳۰	۰/۸۱۲	۰/۶۲۲
گروه بندی	۰/۶۷۹	۰/۶۹۲	۰/۶۵۰
زمان آموزش	۰/۸۴۷	۰/۸۸۴	۰/۷۶۱
ارزشیابی	۰/۸۷۳	۰/۸۹۷	۰/۶۶۷

مطابق جدول (۱)، مقدار هر دو شاخص ضریب آلفای کرونباخ و ضریب پایایی ترکیبی در مورد همه‌ی عناصر الگوی برنامه درسی مورد نظر بیشتر از ۰/۷ محاسبه شده است؛ بنابراین، ابزار اندازه‌گیری از پایایی قابل قبول برخوردار است. همچنین، مقدار عددی شاخص میانگین واریانس استخراجی (AVE) در مورد همه‌ی عناصر مدل بیشتر از ۰/۵ تعیین شده‌اند، لذا، روایی همگرایی پژوهش نیز تأیید می‌شود. از طرفی، همه‌ی مقادیر ضریب پایایی ترکیبی (CR) از مقادیر متناظر میانگین واریانس استخراجی بیشتر هستند و بنابراین، ابزار اندازه‌گیری از روایی سازه مناسب نیز برخوردار است. لازم به ذکر است به دلیل تعداد زیاد گویه‌های پرسشنامه از ذکر بارهای عاملی در این جدول اجتناب شده است. برای محاسبه روایی واگرایی مدل، از معیار فورنل و لارکر^۱ استفاده شده است. داده‌های جدول (۲) نتایج حاصل را نشان می‌دهد.

جدول (۲). نتایج آزمون روایی واگرا یا افتراقی مدل اندازه‌گیری

ردیف	عنصر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱	منطق و چرایی برنامه	۰/۷۸												
۲	اصول اساسی برنامه	۰/۵۱	۰/۷۶											
۳	اهداف آموزشی	۰/۴۷	۰/۶۵	۰/۸۰										
۴	محتوای آموزشی	۰/۵۴	۰/۴۷	۰/۶۶	۰/۷۹									
۵	تجارب یادگیری	۰/۶۷	۰/۷۷	۰/۷۲	۰/۵۶	۰/۷۷								
۶	شیوه تدریس	۰/۷۹	۰/۸۳	۰/۴۳	۰/۴۳	۰/۵۷	۰/۷۸							
۷	نقش معلم	۰/۴۵	۰/۴۴	۰/۷۴	۰/۴۴	۰/۷۱	۰/۶۱	۰/۷۹						
۸	نقش دانش آموز	۰/۶۲	۰/۶۲	۰/۷۳	۰/۶۱	۰/۷۸	۰/۶۰	۰/۶۳	۰/۸۶					
۹	زمان آموزش	۰/۵۱	۰/۷۲	۰/۷۹	۰/۵۸	۰/۸۹	۰/۶۴	۰/۷۷	۰/۵۷	۰/۸۷				
۱۰	محیط یادگیری	۰/۶۱	۰/۶۷	۰/۴۷	۰/۸۱	۰/۴۸	۰/۶۲	۰/۵۷	۰/۴۹	۰/۶۳	۰/۷۹			
۱۱	مواد و منابع	۰/۶۹	۰/۷۳	۰/۴۲	۰/۹۱	۰/۴۳	۰/۶۰	۰/۸۸	۰/۶۳	۰/۸۱	۰/۶۱	۰/۷۷		
۱۲	گروه‌بندی	۰/۴۲	۰/۴۴	۰/۸۶	۰/۴۲	۰/۸۵	۰/۸۸	۰/۴۴	۰/۴۰	۰/۷۷	۰/۶۴	۰/۵۶	۰/۸۰	
۱۳	ارزشیابی	۰/۶۶	۰/۷۵	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۹۰	۰/۸۸	۰/۸۴	۰/۶۲	۰/۸۳	۰/۸۰	۰/۸۴	۰/۶۴	۰/۸۲

بر اساس نتایج جدول (۲)، جذر میانگین واریانس استخراج شده (که در خانه‌های موجود در قطر اصلی ماتریس قرار دارند)، هر متغیر پنهان بیشتر از حداکثر همبستگی آن متغیر پنهان با متغیرهای پنهان دیگر می‌باشد که بیانگر روایی واگرایی مناسب مدل اندازه‌گیری است.

^۱. Fornell-Larcker Criterion

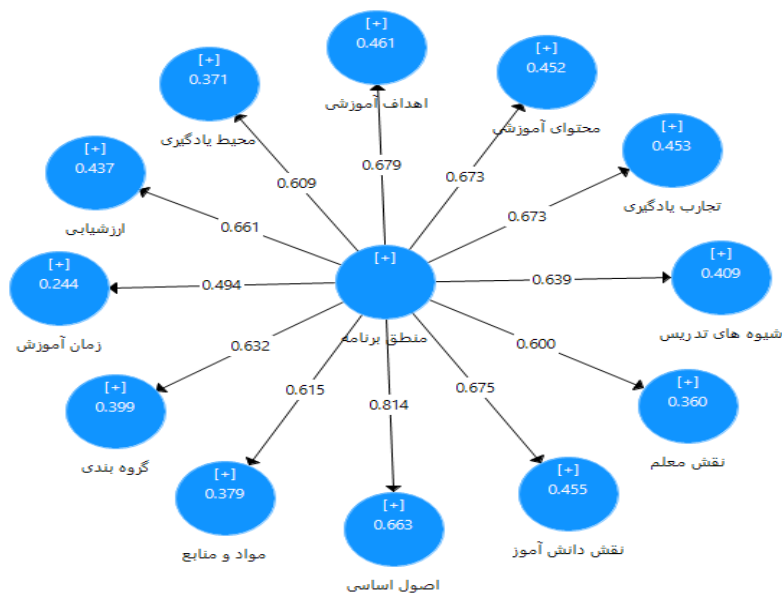
۴-۲. برازش مدل ساختاری

جهت برازش مدل ساختاری پژوهش، از ضرایب معناداری Z و نیز شاخص های آماری R^2 ، Q^2 و همچنین مقادیر اشتراکی و اندازه تأثیر f^2 استفاده شد. با این حال، معیار ضروری برای سنجش الگوی ساختاری، ضریب تعیین R^2 است. این شاخص نشان می دهد که چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل قابل تبیین است. جدول (۳). لازم به ذکر است که سه مقدار $0/19$ ، $0/33$ و $0/67$ به عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می شود.

جدول (۳). مقادیر ضریب تعیین جهت آزمون مدل ساختاری

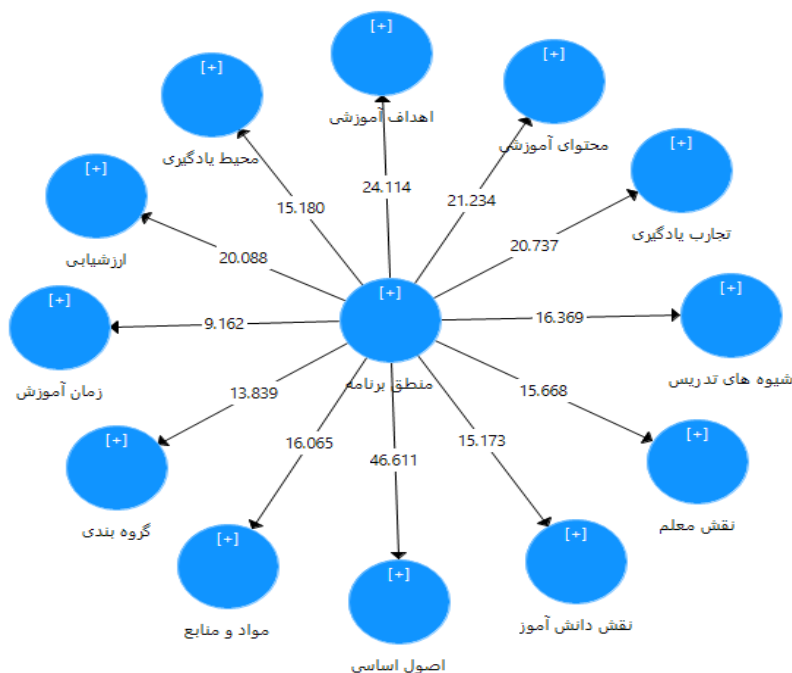
برنامه درسی آموزش کارآفرینی	ضریب تعیین (R^2)
اصول اساسی برنامه	$0/663$
اهداف آموزشی	$0/461$
محتوای آموزشی	$0/452$
تجارب یادگیری	$0/453$
شیوه های تدریس	$0/409$
نقش معلم	$0/360$
نقش دانش آموز	$0/455$
زمان آموزش	$0/244$
محیط یادگیری	$0/371$
مواد و منابع	$0/379$
گروه بندی	$0/399$
ارزشیابی	$0/499$

طبق نتایج جدول (۳)، همه ی مقادیر ضریب تعیین برای مولفه های برنامه درسی آموزش کارآفرینی، بزرگتر از متوسط این معیار ($0/33$) تعیین شده اند، لذا مدل ساختاری پژوهش از برازش مناسب و قابل قبول برخوردار است. شکل (۲)، نیز مدل ترسیم شده همراه با مقادیر ضرایب تعیین را برای الگوی پیشنهادی برنامه درسی آموزش کارآفرینی نشان می دهد. لازم به ذکر است که در این شکل به دلیل فراوانی تعداد گویه های ابزار اندازه گیری و به منظور آرایه ی تصویری ساده و واضح از ذکر متغیرهای آشکار خودداری شده است.



شکل (۱). الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی مبتنی بر ضرایب مسیر

اما اساسی ترین معیار برای برازش مدل ساختاری، ضرایب معنی داری Z یا t -value است. شکل (۲)، مدل ترسیم شده همراه با مقادیر ضرایب معناداری Z را برای الگوی پیشنهادی برنامه‌ی درسی نشان می‌دهد. در این شکل نیز به دلیل تعداد زیاد متغیرهای آشکار و گویه‌های مربوط به آنها، الگوی پیشنهادی برنامه‌ی درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان عشایری فقط بر اساس متغیرهای مکنون یا پنهان نمایش داده شده و از ذکر متغیرهای آشکار اجتناب گردیده است.



شکل (۲). الگوی برنامه درسی مبتنی بر ضرایب آماره t -value

در ادامه، معیار R و ضرایب معناداری Z همراه سطح معنی داری p در جدول شماره (۴) گزارش شده است.

جدول (۴). مقادیر ضریب استاندارد، ضریب معناداری و سطح معنی داری الگوی ساختاری تحقیق

نتیجه	سطح معنی داری (P)	T	ضریب استاندارد R	ابعاد و عناصر برنامه درسی آموزش کارآفرینی
تأیید	۰/۰۰۱ *	۴۶/۶۱۱	۰/۸۱۴	اصول اساسی برنامه
تأیید	۰/۰۰۱ *	۲۴/۱۱۴	۰/۶۷۹	اهداف آموزشی
تأیید	۰/۰۰۱ *	۲۱/۲۳۴	۰/۶۷۳	محتوای آموزشی
تأیید	۰/۰۰۱ *	۲۰/۷۳۷	۰/۶۷۳	تجارب یادگیری
تأیید	۰/۰۰۱ *	۱۶/۳۶۹	۰/۶۳۹	شیوه تدریس
تأیید	۰/۰۰۱ *	۱۵/۶۶۸	۰/۶۰۰	نقش معلم
تأیید	۰/۰۰۱ *	۱۵/۱۷۳	۰/۶۷۵	نقش دانش آموز
تأیید	۰/۰۰۱ *	۹/۱۶۲	۰/۴۹۴	زمان آموزش
تأیید	۰/۰۰۱ *	۱۵/۱۸۰	۰/۶۰۹	محیط یادگیری
تأیید	۰/۰۰۱ *	۱۶/۰۶۵	۰/۶۱۵	مواد و منابع
تأیید	۰/۰۰۱ *	۱۳/۸۳۹	۰/۶۳۲	گروه بندی
تأیید	۰/۰۰۱ *	۲۰/۰۸۸	۰/۶۶۱	ارزشیابی

* $P < 0.001$ معنی داری

نتایج جدول (۴) حاکی از آن است که، تقریباً تمامی مقادیر ضریب تعیین برای مولفه های برنامه درسی آموزش کارآفرینی، بزرگتر از متوسط این معیار (۰/۳۳) تعیین شده اند و لذا مدل ساختاری از برازش مناسب و قابل قبول برخوردار است.

۳-۴. برازش الگوی کلی

در مدل یابی معادلات ساختاری، ارزیابی برازش کلی مدل مستلزم بررسی دو بخش مدل اندازه گیری و مدل ساختاری است. پس از تأیید شاخص های برازش در هر دو بخش، برازش کلی مدل ارزیابی و تفسیر می شود. لذا جهت برازش مدل کلی تنها از یک معیار GOF^1 استفاده می شود. بر این اساس، داده های جدول (۵)، مقادیر ضریب تعیین (R^2) و شاخص نکویی برازش مدل کلی GOF را نشان می دهد.

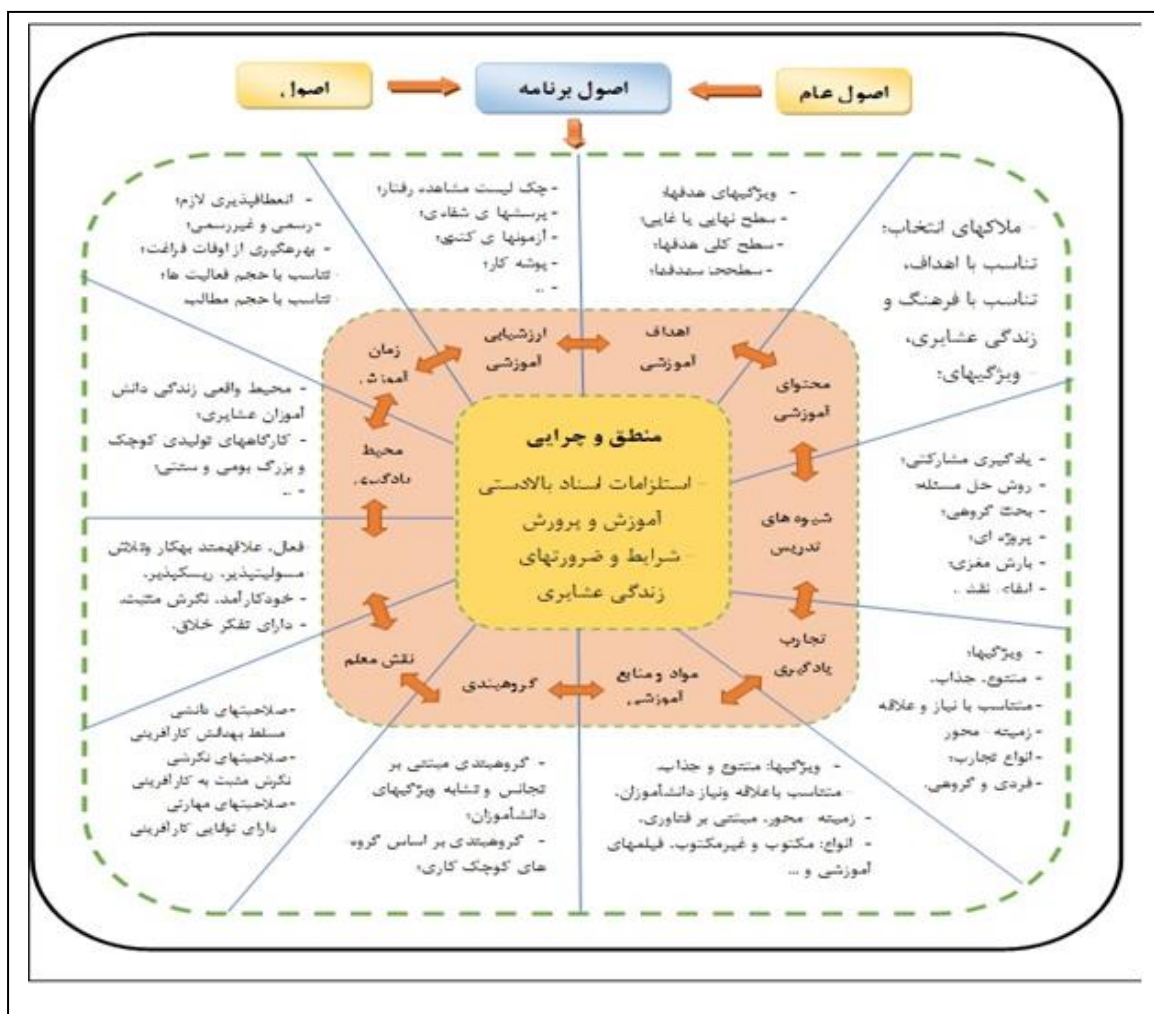
جدول (۵). نتایج برازش کلی مدل معادلات ساختاری برنامه درسی آموزش کارآفرینی

GOF	R Squares	communalities	سازه یا عنصر
۰/۶۶۳	۰/۵۸۴		اصول برنامه
۰/۴۶۱	۰/۶۴۵		اهداف برنامه
۰/۴۵۲	۰/۶۳۶		محتوای آموزشی
۰/۴۵۳	۰/۵۸۷		تجارب یادگیری
۰/۴۰۹	۰/۶۱۵		شیوه تدریس
۰/۳۶۰	۰/۶۲۷		نقش معلم

¹. Goodness of Fit

نقش دانش آموز	۰/۷۳۵	۰/۴۵۵	۰/۵۲۲
زمان آموزش	۰/۷۶۱	۰/۲۴۴	
محیط یادگیری	۰/۶۲۲	۰/۳۷۱	
مواد و منابع	۰/۵۸۸	۰/۳۷۹	
گروه‌بندی	۰/۶۵۰	۰/۳۹۹	
ارزشیابی	۰/۶۶۷	۰/۴۳۷	
میانگین	۰/۶۴۳	۰/۴۲۴	

بر اساس نتایج جدول (۵)، مقدار شاخص برازش کلی (GOF) برابر با ۰/۵۲۲ به دست آمد. با عنایت به اینکه مقادیر ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب بیانگر برازش ضعیف، متوسط و قوی مدل هستند (داوری و رضازاده، ۱۳۹۵)، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی پیشنهادی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان عشایری دوره دوم متوسطه از برازش کلی مطلوب و قوی برخوردار است. از این رو، الگوی نهایی پژوهش در ادامه ارائه می‌شود.



شکل (۳). الگوی پیشنهادی برنامه درسی آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان عشایری دوره دوم متوسطه

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

پژوهش حاضر با هدف اعتباریابی الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان مدارس عشایری دوره دوم متوسطه انجام شد. به‌طور کلی، نتایج پژوهش نشان داد که الگوی برنامه درسی مورد نظر مستلزم توجه به اصول اساسی، از جمله التزام به ارزش‌های اخلاقی و رعایت حق و عدالت در روابط اقتصادی با دیگران، توجه به تفاوت‌های جنسیتی، خانوادگی، محلی و فرهنگی، برقراری تعادل در ابعاد مختلف عقلانی، عاطفی و مهارتی، جهت‌گیری کل‌نگر و تلفیقی در ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، توجه به تفاوت‌های فردی، توجه به کسب شایستگی‌های عام به‌عنوان پیش‌نیاز رشد اقتصادی و حرفه‌ای، افزایش مشارکت دانش‌آموزان در زندگی اجتماعی - اقتصادی، توجه به شایستگی‌های مرتبط با فناوری‌های نوین و سایر مؤلفه‌های مرتبط است. این یافته با نتایج برخی پژوهش‌های مشابه، از جمله سعیدی‌گراغانی، آذرینوند، ارزانی و همکاران (۱۳۹۵)، صیدزاده و رضایی (۱۳۹۵) و سورش و سرینیواسان (۲۰۱۹) همسو است.

منطق و چرایی برنامه بر استلزامات اسناد بالادستی آموزش و پرورش، شرایط و ضرورت‌های زندگی دانش‌آموزان عشایری و توسعه پایدار جامعه عشایری مبتنی است. سایر عناصر برنامه درسی، شامل اهداف، محتوا، روش‌های تدریس، نقش معلم، تجارب یادگیری و سایر مؤلفه‌ها نیز معطوف به «منطق برنامه درسی» بوده و در چارچوب رویکرد زمینه‌محور معنا و مفهوم می‌یابند. مقوله یا مؤلفه بعدی، «اصول برنامه درسی» آموزش کارآفرینی است. بر اساس یافته‌های پژوهش، این اصول از دو مؤلفه «اصول عام» با هشت ویژگی و «اصول خاص» با دوازده ویژگی تشکیل شده است. نتایج فاز کمی نیز مؤید یافته‌های فاز کیفی بود و نشان داد که ویژگی‌های شناسایی‌شده، این مؤلفه را به‌خوبی تبیین می‌کنند.

در تبیین این یافته، می‌توان به مبانی نظری تحول‌بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰)، به‌ویژه بخش فلسفه تربیت رسمی و عمومی، اشاره کرد. در این سند، بر مؤلفه‌هایی همچون توجه به تفاوت‌های جنسیتی، خانوادگی، محلی و فرهنگی، برقراری تعادل در ابعاد مختلف عقلانی، عاطفی و مهارتی، توجه به تجربه‌کاری یادگیرندگان در تربیت اقتصادی و حرفه‌ای و درونی‌سازی ارزش‌های اصیل دینی و اخلاقی در حوزه اقتصادی و حرفه‌ای تأکید شده است. با توجه به ماهیت کلی این مؤلفه‌ها، در پژوهش حاضر به‌عنوان اصول عام الگوی برنامه درسی در نظر گرفته شدند. در همین راستا، سعیدی‌گراغانی و همکاران (۱۳۹۵) نیز کارآفرینی با محوریت بازارهای محلی عشایری، افزایش منافع و بهبود وضعیت زندگی جامعه عشایری را ضروری دانسته‌اند. همچنین، صیدزاده و رضایی (۱۳۹۵) بر بهره‌گیری از ظرفیت‌های الگوی زیست عشایری، کوچندگی و فرهنگ عشایر در برنامه‌های مرتبط با این جامعه تأکید کرده‌اند. از این‌رو، اصول شناسایی‌شده برای الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی ویژه دانش‌آموزان عشایری، با مبانی نظری و یافته‌های پژوهش‌های پیشین همخوانی دارد.

یافته‌های پژوهش در خصوص اهداف آموزشی نشان داد که این عنصر با ویژگی‌هایی همچون شفاف و صریح بودن، قابلیت اندازه‌گیری، مقبولیت و پذیرش، تناسب با شرایط بومی و محلی زندگی دانش‌آموزان عشایری و سایر ویژگی‌های مرتبط تبیین می‌شود و از روایی همگرا و پایایی مرکب قابل قبولی برخوردار است. همچنین، نتایج نشان داد که ویژگی‌های شناسایی‌شده می‌توانند منطق برنامه درسی را در مدل پیشنهادی به‌خوبی پیش‌بینی کنند. این

یافته با نتایج پژوهش‌های بیات، نادری و سیف‌نراقی (۲۰۲۰)، طیب‌نیا و همکاران (۱۴۰۱)، امیدی و همکاران (۱۳۹۶)، جدی‌گرگری، محب‌زادگان و عزیزی (۱۴۰۰) و پینتو و بلو (۲۰۱۶) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته، می‌توان بیان کرد که کارآفرینی به دلیل نقش مؤثر آن در ارتقای نوآوری، افزایش رقابت‌پذیری و ایجاد فرصت‌های شغلی، یکی از مؤلفه‌های اساسی توسعه اقتصادی و اجتماعی به شمار می‌آید. همچنین، آموزش کارآفرینی ابزاری برای دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان، مقابله با چالش‌های اقتصادی و اجتماعی و تحقق توسعه پایدار محسوب می‌شود؛ زیرا افراد را قادر می‌سازد مهارت‌های لازم برای شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار و عرضه محصولات یا خدمات به بازار را کسب کنند (کیموولو و همکاران، ۲۰۱۲). از آنجا که مدارس مسئول اجرای برنامه‌های آموزشی و ارزشیابی آموخته‌های دانش‌آموزان هستند، می‌توانند از طریق ایجاد محیط آموزشی مناسب، بهره‌گیری از روش‌های نوین آموزش کارآفرینی، اختصاص زمان کافی و استفاده از معلمان کارآفرین، زمینه تقویت مهارت‌های کارآفرینی را در دانش‌آموزان عشایری فراهم سازند. در همین راستا، موریس و همکاران (۲۰۲۰) استدلال کرده‌اند که کارآفرینی منبعی برای توانمندسازی افراد محروم از نظر اقتصادی است. همچنین، شریواستاوا و آچاریا (۲۰۲۱) اظهار داشته‌اند که آموزش کارآفرینی می‌تواند نیرویی محرک در الهام‌بخشی به دانش‌آموزان خانواده‌های محروم و تقویت نیت کارآفرینانه آنان باشد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که عنصر محتوای آموزشی در برنامه درسی آموزش کارآفرینی از ویژگی‌هایی برخوردار است که شامل انتظارات یادگیری در زمینه موضوعات متنوع حوزه کارآفرینی، متناسب با علایق و نیازهای دانش‌آموزان است. این انتظارات از طریق فرصت‌های یادگیری متنوع و سازنده در اختیار فراگیران قرار می‌گیرد. شاخص‌های آماری مربوط به این عنصر در فاز کمی نیز نشان داد که مدل اندازه‌گیری از روایی همگرایی بیش از معیار ۰/۵ و پایایی مرکب مطلوب و قابل قبول برخوردار است. همچنین، ویژگی‌های شناسایی شده می‌توانند، بر اساس مقدار ضریب تعیین، محتوای آموزشی را در مدل پیشنهادی به‌خوبی پیش‌بینی کنند. بر این اساس، نتایج فاز کمی با یافته‌های فاز کیفی همخوانی داشته و بیانگر همپوشانی مطلوب میان آن‌ها است. این یافته نیز با نتایج بسیاری از پژوهش‌های مشابه، از جمله بیات و همکاران (۲۰۲۰)، جدی‌گرگری و همکاران (۱۴۰۰) و لوسزکیو (۲۰۰۸)، همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که محتوای آموزشی در میان عناصر برنامه درسی از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا محتوا بستری برای تحقق اهداف برنامه درسی محسوب می‌شود. از این‌رو، در برنامه درسی آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان عشایری، این عنصر باید بیش از پیش مورد توجه و اهتمام برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران برنامه‌های درسی قرار گیرد. همچنین، محتوای آموزشی کارآفرینی باید جذاب، متناسب با نیازهای دانش‌آموزان، نیازهای جامعه محلی و دنیای واقعی کار باشد. افزون بر این، محتوای آموزشی باید مسئله‌محور، چالش‌برانگیز و کاربردی طراحی شود تا زمینه ایجاد تغییرات مورد انتظار را در دانش‌آموزان عشایری فراهم آورد.

در زمینه عنصر شیوه‌های تدریس، یافته‌های پژوهش نشان داد که این عنصر با ۱۶ ویژگی، مبتنی بر رویکردهای فعال و دانش‌آموز‌محور است و در آن از روش‌هایی مانند یادگیری مشارکتی، حل مسئله، ایفای نقش، یاران یادگیری، یادگیری اکتشافی و بحث گروهی، متناسب با اهداف و محتوای آموزشی، استفاده می‌شود. نتایج فاز کمی پژوهش نیز نشان داد که مدل اندازه‌گیری مربوط به این عنصر از روایی همگرایی بالاتر از مقدار معیار و پایایی مرکب مطلوب و

قابل قبول برخوردار است. همچنین، ویژگی‌های شناسایی شده می‌توانند این عنصر را در مدل پیشنهادی به‌خوبی تبیین کنند. این یافته با نتایج بسیاری از پژوهش‌های مشابه، از جمله بیات و همکاران (۲۰۲۲)، جدی‌گرگری و همکاران (۱۴۰۰)، پیشل، دنگ و لارسون (۲۰۲۰) و احمد، ابوبکر و احمد (۲۰۱۸)، همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که شیوه‌های تدریس، به‌عنوان یکی از عناصر اساسی برنامه درسی، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود عملکرد معلم و ارتقای پیامدهای یادگیری دانش‌آموزان دارند و تحت تأثیر عوامل گوناگون قرار می‌گیرند. از این‌رو، معلمی که از تجربه، دانش و نگرش کارآفرینانه برخوردار بوده، بر مهارت‌های مورد نیاز تسلط داشته و با ویژگی‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان عشایری، همچنین مقتضیات جامعه و بازار کار آشنا باشد، باید از روش‌های متنوع تدریس بهره‌گیرد و از به‌کارگیری شیوه‌های سنتی و ناکارآمد پرهیز کند. بر اساس نتایج پژوهش‌های پیش‌گفته، یادگیری مسئله‌محور رویکردی است که با استفاده از مسائل دنیای واقعی، زمینه یادگیری دانش‌آموزان مناطق عشایری را برای کسب دانش و مفاهیم ضروری فراهم می‌کند و به نظر می‌رسد، در کنار روش پروژه‌محور، یکی از مؤثرترین شیوه‌های آموزش کارآفرینی باشد.

تعیین ویژگی‌های عنصر فعالیت‌ها و تجارب یادگیری، یکی از مهم‌ترین اقدامات در طراحی برنامه درسی آموزش کارآفرینی به شمار می‌آید؛ زیرا ماهیت این برنامه به گونه‌ای است که بهره‌گیری از فعالیت‌های مؤثر می‌تواند دستیابی به اهداف تعیین‌شده را تسهیل کرده و موفقیت آن را تضمین کند. بر اساس یافته‌های پژوهش، فعالیت‌ها و تجارب یادگیری از ویژگی‌های متنوعی برخوردارند. نتایج فاز کمی نیز مؤید یافته‌های بخش کیفی بود؛ به‌گونه‌ای که مدل اندازه‌گیری مربوط به این عنصر از روایی همگرا و پایایی مرکب مطلوب و قابل قبول برخوردار بود. این یافته نیز با نتایج پژوهش‌های بیات و همکاران (۲۰۲۲)، شمس، شمس و سلیمانی‌اندرو (۱۴۰۰) و مرتضی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۶) همسو است.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که فعالیت‌ها و تجارب یادگیری در آموزش کارآفرینی، با توجه به ماهیت این حوزه، از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که دانش‌آموزمحوری، پروژه‌محوری و اشتغال‌محوری از مهم‌ترین آن‌ها به شمار می‌روند. همچنین، فعالیت‌های خارج از کلاس درس نقش قابل‌توجهی در ارتقای یادگیری دانش‌آموزان ایفا می‌کنند. تجارب یادگیری، به‌ویژه فعالیت‌های مبتنی بر مشارکت فعال دانش‌آموزان، همراه با تأمل فردی و هدایت معلم، می‌تواند به دانش‌آموزان عشایری کمک کند تا ضمن تقویت مهارت‌های فردی و گروهی و افزایش اعتمادبه‌نفس، آمادگی بیشتری برای فعالیت در محیط‌های واقعی کسب‌وکار و اشتغال در آینده به دست آورند.

در ارتباط با نقش و مسئولیت معلم، یافته‌های پژوهش نشان داد که این عنصر نقش مهمی در اجرای برنامه درسی دارد و معلمان باید از شایستگی‌های دانشی، نگرشی و مهارتی ویژه‌ای برخوردار باشند. همچنین، نتایج بخش کمی مؤید یافته‌های بخش کیفی بود. این یافته با نتایج بسیاری از پژوهش‌های مشابه، از جمله سایه‌وند، اعلامی، سلیمی‌نمین و ابوالقاسمی (۱۴۰۰)، حیاتی (۱۳۹۷)، میچو و جونیدا (۲۰۲۳) و پیشل و همکاران (۲۰۲۰) همخوانی دارد.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که نقش معلم در فرایند آموزش و یادگیری، نقشی اساسی و راهبردی است. اگرچه همدلی از ویژگی‌های مشترک معلمان به شمار می‌رود، اما معلم کارآفرین با درک نیازها و دیدگاه‌های دانش‌آموزان، می‌کوشد زمینه دستیابی آنان به موفقیت و پاسخ‌گویی مؤثر به نیازهایشان را فراهم سازد. از این‌رو، در

برنامه درسی آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان عشایری، معلمان مسئولیت‌های مهمی بر عهده دارند. برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی فعالیت‌های آموزشی بر پایه شناخت کافی از ویژگی‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان، توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و سیاسی حاکم بر جامعه بومی و محلی، آگاهی از شرایط بازار کار و وضعیت اشتغال و درآمد جوانان عشایری، مشارکت در سیاست‌گذاری‌های آموزشی در سطوح محلی و ملی و در نهایت، اجرای اثربخش برنامه درسی کارآفرینی، از مهم‌ترین مسئولیت‌های معلمان به شمار می‌رود. در مجموع، موفقیت آموزش کارآفرینی و تبدیل دانش‌آموزان به افرادی کارآفرین، تا حد زیادی به ایفای مؤثر نقش معلم وابسته است.

در خصوص عنصر دانش‌آموز، یافته‌های پژوهش نشان داد که این عنصر باید از ویژگی‌هایی مانند فعال بودن، علاقه‌مندی به کار و تلاش، مسئولیت‌پذیری، ریسک‌پذیری، احساس خودکارآمدی بالا، نگرش مثبت به کارآفرینی و برخورداری از تفکر خلاق و ایده‌های نوآورانه برخوردار باشد. همسو با این یافته، بیات و همکاران (۲۰۲۲) نیز به این نتیجه رسیدند که دانش‌آموزان، ضمن برخورداری از روحیه کارآفرینی، باید نقش فعالی در فرایند یادگیری کارآفرینی ایفا کنند. همچنین، دیبایی‌صابر و سبحانی‌نژاد (۱۳۹۹) عنوان کرده‌اند که در برنامه درسی کارآفرینی، به ابعاد خبرگی، توسعه شخصی، خطرپذیری و عزت‌نفس دانش‌آموزان باید توجه ویژه‌ای شود.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که دانش‌آموزان، به‌عنوان بازیگران اصلی فرایند آموزش کارآفرینی، مسئولیت‌های اساسی در این فرایند بر عهده دارند. آنان باید با مشارکت فعال در برنامه‌های آموزش کارآفرینی، انجام مسئولیت‌های محوله و تلاش برای ارتقای توانمندی‌های خود در ایجاد کسب‌وکار، دانش و مهارت‌های لازم را تقویت و توسعه دهند. این موضوع در مورد دانش‌آموزان عشایری، با توجه به سبک و ماهیت زندگی آنان، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ زیرا این دانش‌آموزان در بسیاری از مناطق محروم و دورافتاده زندگی می‌کنند و برای مواجهه با چالش‌های زندگی و بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی، بیش از دیگران به کسب مهارت‌های متنوع نیاز دارند.

در خصوص عنصر زمان آموزش، یافته‌های پژوهش نشان داد که این عنصر باید از ویژگی‌هایی همچون انعطاف‌پذیری و تناسب با حجم فعالیت‌ها برخوردار باشد و زمان مناسبی به مباحث نظری، فعالیت‌های عملی و برنامه‌های فوق‌برنامه اختصاص یابد. همچنین، زمان آموزش می‌تواند به‌صورت رسمی و غیررسمی مورد توجه مجریان برنامه قرار گیرد تا از این طریق، فرصت مناسبی برای آموزش و یادگیری دانش‌آموزان عشایری فراهم شود.

همسو با این یافته، طیب‌نیا و همکاران (۱۴۰۱) نیز در پژوهش خود، زمان آموزش را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های برنامه‌های آموزش کارآفرینی مورد توجه قرار داده و نتیجه گرفتند که زمان‌بندی آموزش کارآفرینی می‌تواند در قالب کلاس‌های عادی، کلاس‌های اختصاصی کارآفرینی و برنامه‌های فوق‌برنامه، با اختصاص یک تا چند ساعت در هفته، اجرا شود. از این‌رو، عنصر زمان در این برنامه‌ها باید از انعطاف‌پذیری لازم برخوردار بوده و متناسب با شرایط و اهداف برنامه پیش‌بینی شود. همچنین، راپانا و پی‌کالا (۲۰۲۴) بر بهره‌گیری از ظرفیت اوقات فراغت به‌منظور افزایش ظرفیت کارآفرینی دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که زمان آموزش، فرصت لازم را برای تحقق فرایند آموزش و یادگیری فراهم می‌کند و از این‌رو، در برنامه درسی باید متناسب با شرایط، امکانات و ویژگی‌های دانش‌آموزان عشایری، از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار باشد. بر این اساس، در الگوی پیشنهادی آموزش کارآفرینی، زمان آموزش هم به‌عنوان فرصتی برای اجرای برنامه درسی و هم به‌عنوان بستری برای شکل‌گیری یادگیری عمیق و پایدار دانش‌آموزان در نظر

گرفته می‌شود. همچنین، این عنصر باید فرصت لازم را برای بروز خلاقیت، ابداع و ابتکار دانش‌آموزان در مواجهه با چالش‌ها و فرصت‌های کارآفرینی فراهم سازد. افزون بر این، اختصاص زمان کافی برای تفکر، تأمل و قضاوت درباره رفتار و عملکرد خود، می‌تواند به تقویت و پایداری ارزش‌های مرتبط با کارآفرینی کمک کند. در نهایت، زمان آموزش باید متناسب با نیازها و ویژگی‌های دانش‌آموزان تعیین شود و امکان بهره‌گیری از آن در هر دو بستر آموزش رسمی و غیررسمی فراهم باشد.

در خصوص عنصر محیط یادگیری، یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل اندازه‌گیری این عنصر از روایی همگرایی بالاتر از ۰/۵ و پایایی مرکب مطلوب و قابل قبول برخوردار است. همچنین، بر اساس مقدار ضریب تعیین، مشخص شد که ویژگی‌های شناسایی‌شده می‌توانند این عنصر را در مدل پیشنهادی به‌خوبی تبیین کنند. بر این اساس، در فرایند آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان عشایری، محیط آموزش و یادگیری باید با شرایط واقعی زندگی آنان متناسب باشد و ویژگی‌ها، ارزش‌ها، امکانات و چالش‌های موجود را در نظر بگیرد. همچنین، لازم است آموزش‌ها بر اساس واقعیت‌های موجود طراحی و اجرا شوند تا زمینه شناسایی، شکوفایی و توسعه قابلیت‌ها و استعدادهای کارآفرینانه در دانش‌آموزان فراهم شود. این یافته با نتایج پژوهش مظاهری و براتعلی (۲۰۲۲) همسو است؛ زیرا آنان نیز بر اهمیت محیط آموزش و یادگیری در فرایند آموزش کارآفرینی و ویژگی‌های خاص آن در آموزش دانش‌آموزان عشایری تأکید کرده‌اند.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که محیط آموزش و یادگیری یکی از عوامل اساسی در موفقیت برنامه‌های درسی به شمار می‌رود و در اغلب رویکردهای برنامه‌ریزی درسی، از ابعاد فیزیکی و عاطفی مورد توجه قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که کمیت و کیفیت محیط، از عوامل مؤثر بر یادگیری اثربخش محسوب می‌شود (بری، ۲۰۲۰). همچنین، محیط آموزشی مناسب با انگیزش دانش‌آموزان ارتباط مستقیم دارد. ازاین‌رو، دستیابی به موفقیت در زمینه‌های علمی و نیز کسب دانش و مهارت‌های کارآفرینی، مستلزم فراهم‌سازی محیط‌های یادگیری مناسب، اثربخش و همسو با نظام آموزشی کشور است. لاکهاید و ورسپور نیز معتقدند که یادگیری و آموزش در محیط‌های آموزشی مناسب، با حضور فعال معلمان و دانش‌آموزان، تحقق می‌یابد (به نقل از مظاهری و براتعلی، ۲۰۲۲). بنابراین، محیط آموزشی باید به گونه‌ای طراحی و سازمان‌دهی شود که محرک یادگیری و زمینه‌ساز رشد قابلیت‌های کارآفرینانه در دانش‌آموزان عشایری باشد.

نکته حائز اهمیت آن است که در الگوی پیشنهادی، به جای «فضا» یا «مکان»، از مفهوم «محیط یادگیری» استفاده شده است؛ زیرا این مفهوم، علاوه بر فضای فیزیکی، جو و فضای روانی و نیز محیط مجازی را در بر می‌گیرد. همچنین، همان‌گونه که نمی‌توان محتوای آموزشی را از تجربه‌های حاصل از اجرای واقعی یک برنامه درسی جدا دانست، تجربه یادگیری نیز از محتوا، فرایند یادگیری و محیطی که این تجربه در آن شکل می‌گیرد، قابل تفکیک نیست. ازاین‌رو، محیط‌های خارج از کلاس درس و موقعیت‌های واقعی زندگی، مناسب‌ترین بستر برای آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان عشایری و سایر فراگیران به شمار می‌روند. بر این اساس، به‌منظور اجرای اثربخش الگوی آموزش کارآفرینانه، محیط‌های آموزشی باید متفاوت از محیط‌های آموزشی متعارف طراحی شوند تا دانش‌آموزان بتوانند از طریق انجام دادن، تجربه کردن و مواجهه با موقعیت‌های واقعی، استعدادها، مهارت‌ها و خلاقیت‌های خود را شناسایی و پرورش دهند.

در خصوص عنصر مواد و منابع یادگیری، یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل اندازه‌گیری این عنصر از روایی همگرا و پایایی مرکب مطلوب و قابل قبول برخوردار است. همچنین، ویژگی‌های شناسایی شده توانستند این عنصر را در مدل پیشنهادی به‌خوبی تبیین کنند. بر این اساس، نتایج فاز کمی با یافته‌های فاز کیفی همخوانی داشته و بیانگر همپوشانی مناسب میان آن‌ها است. این یافته با نتایج پژوهش حشمتی‌فر و همکاران (۱۴۰۰) نیز همسو است. آنان نشان دادند که با توجه به اهمیت آموزش کارآفرینی در مدرسه، در کنار برنامه‌ها و روش‌های موجود، می‌توان از سایر منابع علمی معتبر نیز بهره گرفت. همچنین، این یافته با نتایج پژوهش‌های دانکن (۲۰۲۰) و وایووو و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت دارد که بر این نکته تأکید کرده‌اند که برخورداری از منابع آموزشی باکیفیت و کافی، زمینه تقویت مهارت‌های کارآفرینی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند و فقدان این منابع، اثربخشی آموزش را کاهش می‌دهد. همچنین، هرچه مواد و منابع آموزشی از تنوع و جذابیت بیشتری برخوردار باشند، فرایند آموزش و یادگیری اثربخش‌تر خواهد بود.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که مواد و منابع آموزشی از مهم‌ترین عناصر برنامه درسی هستند و نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت فرایند آموزش و یادگیری ایفا می‌کنند. این منابع، امکانات و تجهیزات آموزشی مانند مواد نوشتاری، ابزارهای آموزشی، آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و سایر امکانات موجود در مدرسه را در بر می‌گیرند که برای تسهیل فرایند آموزش و یادگیری مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این‌رو، درونی‌سازی ارزش‌های کارآفرینی را می‌توان از طریق محتوای مواد آموزشی، تکالیف و شیوه‌های ارائه و ارزشیابی آن‌ها تقویت کرد. بنابراین، یکی از اصول اساسی در طراحی و اجرای برنامه درسی، توجه به تناسب کمی و کیفی مواد و منابع آموزشی با ارزش‌ها و معیارهای کارآفرینی، همچنین علایق و نیازهای دانش‌آموزان عشایری است. افزون بر این، مواد آموزشی باید ضمن هماهنگی با فرهنگ و هنجارهای جامعه، موضوعات متنوعی را در سه حیطه دانش، نگرش و توانش کارآفرینی پوشش دهند. در مجموع، مواد و منابع آموزشی با هدف ایجاد یادگیری اثربخش طراحی می‌شوند و صرف‌نظر از نوع آن‌ها، لازم است بر اساس منطق و اصول مشخصی تهیه و به‌کار گرفته شوند.

یافته‌های پژوهش در خصوص عنصر گروه‌بندی نیز با نتایج بسیاری از پژوهش‌های مشابه همسو است. بر اساس نتایج پژوهش، در گروه‌بندی دانش‌آموزان باید بر تشکیل گروه‌های کوچک، اجتماع پژوهی، کار شبکه‌ای، حلقه‌های کندوکاو گروهی و انجام فعالیت‌ها به‌صورت تیمی تأکید شود. همچنین، گروه‌بندی می‌تواند بر اساس علایق، توانایی‌ها، نیازهای دانش‌آموزان، ماهیت فعالیت‌های کارآفرینانه و ویژگی‌های محیط زندگی آنان، به‌صورت ناهمگن و با رعایت تفاوت‌های فردی، در گروه‌های کوچک دو تا چهار نفره انجام گیرد. نتایج فاز کمی نیز نشان داد که مدل اندازه‌گیری این عنصر از روایی همگرایی بالاتر از ۰/۵ و پایایی مرکب مطلوب و قابل قبول برخوردار است. همچنین، ویژگی‌های شناسایی شده توانستند این عنصر را در مدل پیشنهادی به‌خوبی تبیین کنند. بر این اساس، نتایج فاز کمی با یافته‌های فاز کیفی همخوانی داشته و بیانگر همپوشانی مناسب میان آن‌ها است. این یافته با نتایج پژوهش‌های غفرانی و همکاران (۱۴۰۱)، طیب‌نیا و همکاران (۱۴۰۱) و موتا و گالینا (۲۰۲۳) نیز همسو است؛ پژوهش‌هایی که بر اهمیت کار گروهی در آموزش کارآفرینی تأکید کرده‌اند.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که گروه‌بندی دانش‌آموزان باید متناسب با علایق، توانایی‌ها، نیازها و ماهیت فعالیت‌های آموزشی، به‌صورت منعطف، متنوع و با رعایت تفاوت‌های فردی انجام شود. گروه‌های ناهمگن نیز امکان

توجه بیشتر به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان را فراهم می‌کنند. افزون بر این، آموزش کارآفرینی صرفاً بر فعالیت‌های فردی دانش‌آموزان متمرکز نیست، بلکه بر همکاری گروهی، به اشتراک‌گذاری دانش، پرورش خلاقیت، مشارکت در اجرای پروژه‌ها، مسئولیت‌پذیری و تلاش برای دستیابی به اهداف مشترک تأکید دارد. همچنین، فعالیت در گروه‌های کوچک می‌تواند توانایی حل مسئله و کیفیت یادگیری را ارتقا دهد؛ زیرا هر دانش‌آموز در تعامل با سایر اعضای گروه، فرصت مشارکت فعال و یادگیری از همسالان خود را به دست می‌آورد. از این رو، گروه‌بندی دانش‌آموزان عشایری در فرایند آموزش کارآفرینی، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی آموزشی است که باید مورد توجه معلمان و مربیان قرار گیرد تا زمینه اجرای اثربخش برنامه درسی فراهم شود.

در خصوص عنصر ارزشیابی، یافته‌های پژوهش نشان داد که در الگوی برنامه درسی کارآفرینی، ارزشیابی باید بر اساس اهداف و محتوای آموزشی و با رویکردی فرایندمحور طراحی و اجرا شود. همچنین، ارزشیابی باید دانش، نگرش و شایستگی‌ها یا رفتارهای کارآفرینانه دانش‌آموزان را مورد سنجش قرار دهد و برای دستیابی به اطلاعات دقیق و معتبر، از روش‌ها و ابزارهای متنوعی مانند چک‌لیست مشاهده رفتار، پرسش‌های شفاهی، آزمون‌های کتبی و سایر ابزارهای مناسب استفاده شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های بیات و همکاران (۲۰۲۰)، جدی‌گرگی و همکاران (۱۴۰۰)، مقام‌دوست و همکاران (۱۳۹۸) و واسوماتی (۲۰۲۰) همسو است. این پژوهش‌ها نیز بر نقش نظام ارزشیابی صحیح و اصولی در توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند.

در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که بدون ارزشیابی، میزان تحقق اهداف برنامه درسی قابل تعیین نخواهد بود. از این رو، ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان و بررسی کیفیت آموخته‌های آنان، بخش جدایی‌ناپذیر فرایند آموزش کارآفرینی است. همچنین، هرچه اهداف برنامه درسی با دقت و شفافیت بیشتری تعریف شوند، طراحی و اجرای ارزشیابی نیز اثربخش‌تر خواهد بود. بنابراین، شناسایی و تدوین معیارها و شاخص‌های مناسب برای سنجش میزان دستیابی دانش‌آموزان به اهداف کلی و جزئی برنامه ضروری است. افزون بر این، در ارزشیابی آموزش کارآفرینی، استفاده از روش‌های عملی و پروژه‌محور، مانند تدوین طرح‌های کسب‌وکار متناسب با نیازهای جامعه و شرایط اقلیمی و فرهنگی جامعه عشایری، می‌تواند اثربخشی بیشتری داشته باشد. همچنین، در ارزیابی آموخته‌های دانش‌آموزان، می‌توان معیارهایی مانند دانش، نگرش و شایستگی‌های کارآفرینانه را مدنظر قرار داد تا اطلاعات لازم درباره عملکرد دانش‌آموزان و میزان موفقیت برنامه درسی فراهم شود.

پیشنهادهای کاربردی

بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌شود اهداف آموزشی بر پایه واقع‌گرایی و با اتکا به نیازسنجی دقیق از زیست‌بوم عشایری، در سطوح دانشی، نگرشی و مهارتی طراحی و تدوین شوند. همچنین، محتوای آموزشی باید ضمن برخورداری از رویکردی تلفیقی و چالش‌محور، با ماهیت آموزش کارآفرینی و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان عشایری همسویی داشته باشد. استفاده از روش‌های یادگیری فعال و متناسب با فرصت‌ها و محدودیت‌های محیطی مناطق عشایری نیز ضروری است. علاوه بر این، ارتقای صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان در ابعاد دانش، نگرش و مهارت‌های کارآفرینی، به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اجرای الگو، باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین، سازمان‌دهی یادگیری در قالب گروه‌های کوچک مشارکتی، بومی‌سازی مواد و منابع یادگیری متناسب با فرهنگ و واقعیت‌های محیطی دانش‌آموزان عشایری، پیش‌بینی زمان آموزشی انعطاف‌پذیر برای اجرای فعالیت‌های عملی و

پروژه‌های کارآفرینانه، و طراحی نظام سنجش و ارزشیابی مبتنی بر روش‌های متنوع عملکردی، به‌منظور ارائه تصویری جامع از دانش، نگرش و شایستگی‌های کارآفرینانه دانش‌آموزان، از دیگر پیشنهادهای این پژوهش است. در مجموع، اجرای هماهنگ و یکپارچه این عناصر می‌تواند زمینه استقرار الگویی اثربخش را فراهم آورد که در آن آموزش کارآفرینی، نه به‌عنوان برنامه‌ای جانبی، بلکه به‌عنوان مؤلفه‌ای هویت‌بخش و توانمندساز در تربیت دانش‌آموزان عشایری ایفای نقش کند.

تقدیر و تشکر

بدین‌وسیله، از تمامی افرادی که در مراحل مختلف انجام این پژوهش، نگارندگان را یاری و همراهی کردند، صمیمانه قدردانی و تشکر می‌شود.

تعارض منافع

در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

۶- منابع

- امیدی، جمشید؛ هاشمی، سیداحمد؛ قلتاش، عباس و ماشینچی، علی‌اصغر (۱۳۹۸). طراحی الگوی برنامه درسی آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان دوره‌ی اول متوسطه، نظریه و عمل در برنامه‌ی درسی، ۷(۱۴)، ۳۴-۵.
- <https://civilica.com/doc/1847709>
- جدی‌گرگری، جواد؛ محب‌زادگان، یوسف و عزیزی، محمد (۱۴۰۰). تدوین الگوی آموزش کارآفرینی دانش‌آموزان مدارس دوره دوم متوسطه، فصلنامه مدیریت مدرسه، ۹(۱)، ۲۳۵-۲۶۶.
- <https://sid.ir/paper/961285/fa>
- جعفرپور، محبوبه؛ هاشمی، سیداحمد و ماشینچی، علی‌اصغر (۱۴۰۳). طراحی و اعتبارسنجی الگوی برنامه درسی کارآفرینانه در مدارس متوسطه همسو با سیاست‌های کلی کارآفرینی نظام، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، ۱۲(۴۵)، ۸۶-۴۸.
- <https://doi.org/10.30507/jmsp.2023.395118.2571>
- حشمتی‌فر، لیلیا؛ لیاقتدار، محمدجواد و عابدی، احمد (۱۴۰۰). فراتحلیل همبسته‌های روان‌شناختی کارآفرینی در ایران، فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۱۳(۴)، ۷۰-۵۵.
- <https://sid.ir/paper/1036558/fa>
- حیاتی، مهدی. (۱۳۹۷). نقش آموزش کارآفرینی در هنرستان‌ها برای کاهش آسیب‌های اجتماعی، مجله پیشرفتهای نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، ۱(۱)، ۶۰-۵۵.
- <https://civilica.com/doc/835781>
- خالدی، علی و بابادی‌عکاشه، زهرا (۱۴۰۲). بررسی شاخص‌های عدالت آموزشی بر اساس قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و میزان تحقق آن‌ها در مناطق عشایر استان چهارمحال و بختیاری، نهمین همایش علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی ایران، http://openaccess.ir/c/epconf9/paper_32067
- خلیلی، نرجس و حق‌پرست، فاطمه (۱۳۹۲). مطالعه تطبیقی آموزش‌های کارآفرینی در ایران و سایر کشورها و ارائه راهکارهای موثر آموزش کارآفرینی به زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی، ماهنامه کار و جامعه، ۱(۶۲)، ۴۴-۵۶.

- داوری، علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۵). *مدل سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- دیبايي صابر، محسن و سبحانی نژاد، مهدی. (۱۳۹۹). طراحی الگوی مفهومی نظام جامع آموزش کارآفرینی: ابعاد، عناصر و مولفه ها، *دو فصلنامه مطالعات برنامه ریزی آموزشی*، ۹(۱۸): ۱۵۱-۱۶۹. <https://civilica.com/doc/2007675>
- رضایی، بیژن؛ نادری، نادر و صفری بابازیدی، مریم (۱۳۹۹). شناسایی موانع آموزش کارآفرینی در مدارس کرمانشاه، *فصلنامه علمی مدیریت مدرسه*، ۸(۳)، ۵۱-۶۶. <https://sid.ir/paper/964598/fa>
- سایه‌وند، زهرا؛ اعلامی، فرنوش؛ سلیمی‌نمین، سارا و ابوالقاسمی، محمود (۱۴۰۰). ویژگی‌ها، مهارت‌ها و کنش‌های کارآفرینانه معلم کارآفرینان: مروری سیستماتیک با فراترکیب، *فصلنامه آموزش و توسعه منابع انسانی*، ۸(۳۱)، ۱۰۲-۱۲۸.
- سعیدی‌گراغانی، حمیدرضا؛ آذرنیوند، حسین؛ ارزانی، حسین؛ رفیعی، حامد و مهرابی، حسن (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های اقتصادی- اجتماعی مؤثر بر مشارکت عشایر استان کرمان در تشکیل بازارهای محلی لبنیات، *نشریه مرتع*، ۱۰(۴)، ۳۸۷-۳۹۷.
- شمس، بهاء‌الدین؛ شمس، چاوش و سلیمانی اندرو، عباس (۱۴۰۰). بررسی عوامل مؤثر بر ترویج فرهنگ کارآفرینی در دانش آموزان، *فصلنامه پژوهش‌های نوین در آموزش و پرورش*، ۲(۲)، ۱۶-۲۶.
- غفرانی، نرگس؛ حسینی، سیدرسول و موسی‌خانی، مرتضی (۱۴۰۱). طراحی مدل مدرسه کارآفرین مبتنی بر توسعه شایستگی‌های کارآفرینانه در دوره‌ی متوسطه، *فصلنامه‌ی توسعه‌ی کارآفرینی*، ۱۵(۱)، ۱۴۱-۱۶۰. [DOI: 10.22059/JED.2022.332859.633806](https://doi.org/10.22059/JED.2022.332859.633806)
- صیدزاده، حیدر و رضایی، جعفر (۱۳۹۵). مقایسه وضع درآمدی عشایر اسکان یافته و شناسایی عوامل ایجادکننده تفاوت- های درآمدی در دو وضعیت کوچندگی و اسکان در استان ایلام، *روستا و توسعه*، ۱۹(۳)، ۷۷-۱۰۰.
- طیبنیا، محمدرضا؛ کریمی، آصف؛ پاداش، حمید؛ یزدانی، حمیدرضا و کیهانی، محمد (۱۴۰۱). واکاوی برنامه‌ی درسی کارآفرینی در مدارس با مطالعه تطبیقی مدارس ۹ کشور اروپایی، *فصلنامه توسعه کارآفرینی*، ۱۵(۳)، ۵۰۱-۵۱۸.
- فرهادی، محدثه؛ عبداللهی، حسین؛ عزیزی، محمد؛ طاهری، مرتضی. (۱۴۰۲). واکاوی مولفه‌های توسعه نگرش کارآفرینی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه نظری؛ کاربرست رویکرد آمیخته (مورد مطالعه: خبرگان درس کارآفرینی در شهر تهران)، *آموزش و مدیریت کارآفرینی*، ۲(۳)، ۷۵-۹۰. <https://doi.org/10.22126/eme.2023.9683.1048>
- فرمهبینی‌فراهانی، محسن؛ مدنی، سیده‌ادی و عظیمی آقبلاغ، احد (۱۴۰۰). تحلیل پدیدارشناسانه تجارب زیسته آموزگاران از چالش‌های آموزش در مدارس ابتدایی عشایری، *فصلنامه چشم‌انداز برنامه‌ی درسی و آموزش*، ۱(۲)، ۳۴-۴۹. [10.22034/cjpj.2021.49035.1016](https://doi.org/10.22034/cjpj.2021.49035.1016)
- محمودی، فیروز؛ عظیمی آقبلاغ، احد و مدنی، سیده‌ادی (۱۳۹۹). مطالعه ویژگی‌های عناصر برنامه درسی در مدارس دوره ابتدایی عشایری، *پژوهش در برنامه ریزی درسی*، ۱۷(۳۸)، ۳۱-۴۸.

مرتضی نژاد، نیلوفر؛ عطاران، محمد؛ حسینی خواه، علی و عباسی، عفت (۱۳۹۶). تبیین عناصر برنامه‌ی درسی کارآفرینی در دوره‌ی آموزش عمومی، دو فصلنامه‌ی نظریه و عمل در برنامه‌ی درسی، ۵(۹)، ۱۰۵-۱۴۲.
<https://civilica.com/doc/1537425>

معتمدی‌راد، محمد؛ علیپور، محمد؛ گرایلی، عاطفه؛ وردی‌یان، حدیث و رستگاری‌مقدم، امیرعباس (۱۴۰۳). مطالعه چالش‌های تعلیم و تربیت کوچ‌نشینان در ایران: مرور سیستماتیک، مطالعات برنامه‌ریزی قلمرو کوچ‌نشینان، ۴(۱)، ۱۳۳-۱۴۴.
 DOI: 10.22034/jsnap.2024.456692.1095

مقام‌دوست، ابوبکر؛ حاتمی، جواد؛ طلایی، ابراهیم و شمس، غلامرضا (۱۳۹۸). طراحی و اعتبارسنجی الگوی مطلوب برنامه درسی دوره کاردانی با رویکرد کارآفرینی، مطالعات برنامه درسی، ۱۴(۵۴)، ۱۱۷-۱۵۲.

وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

References:

- Ahmad, S. Z. Abu Bakar, A. R. & Ahmad, N. (2018). 'An evaluation of teaching methods of entrepreneurship in hospitality and tourism programs', *Int. J. Manag. Educ.*, 16(1), 14-25, <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2017.11.002>.
- Ajani, O. A., (2024). The role of entrepreneurship curriculum in empowering rural students for socio-economic development in South Africa, *International Journal of Business Ecosystem & Strategy*, 6(3), 214-224. <https://www.bussecon.com/ojs/index.php/ijbes>
- Aransyah, M. F., Fourqoniah, F., & Riani, L. P. (2023). Enhancing the Student Entrepreneurship Education Model Using Design Thinking and Lean Canvas Approaches, *Journal of Social Studies Education Research*, 14(2), 195-216. www.jsser.org
- Barri, M. A. (2020). Evaluation of Physical Aspects of Classroom Environment in Terms of the Humanistic Approach: A Comprehensive Theoretical Framework, *Journal of Education and Training Studies*, 8(11), 1-21. URL: <http://jets.redfame.com>. <https://doi.org/10.11114/jets.v8i11.4974>
- Bayat, T., Naderi, E. & Seif Naraghi, M. (2022). Designing an entrepreneurship and production curriculum model for high school students, *Revista Ciencia UNEMI*, 15(39), 76-83. <https://doi.org/10.29076/issn.2528-7737vol15iss39.2022pp76-83p>
- Din, B. H., Anuar, A. R., & Usman, M. (2016). The effectiveness of the entrepreneurship education program in upgrading entrepreneurial skills among public university students. *procedia-social and behavioral sciences*, 224(1): 117-123. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2016.05.413>
- Duncan, S. (2020). Learning Resources of Entrepreneurship Education and Acquisition of Entrepreneurial Skills among Diploma Students of Hospitality Management in

- TVETS, Kenya, (*GRRTHLM*) *An Online International (Double-Blind) Refereed Research Journal*, 6(1): 808-824.
- Ibrahim, I. I., bin Mohd Razali, M. F., binti Shekh, R., Zain, M. N. B. M. N., binti Ismail, I., & binti Ya, S. (2021). The essential of entrepreneurship inclination in higher learning institution (HLI). *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 11, 1677-1686. <https://doi.org/10.6007/IJARBS/v11-i5/9829>
- Ismail Ali, A. (2019). Challenges of Nomadic Pastoralists in Availing Primary Education to their Children, focusing on Hawd Region of Somaliland . *American Research Journal of Humanities Social Science (ARJHSS)* E-ISSN: 2378-702X, 2(2), 28-47.
- Floris, M., & Pillitu, D. (2019). Improving entrepreneurship education in primary schools: a pioneer project. *international journal of educational management*, 33(6): 1149-1169. <https://doi.org/10.1108/ijem-09-2018-0283>
- Hardie, B., Highfield, C., & Lee, K. (2020). Entrepreneurship education today for students' unknown futures. *journal of pedagogical research*, 4(3): 401-417. <https://doi.org/10.33902/jpr.2020063022>
- Karyono, H. (2017). Leading Entrepreneurship Education-Based Primary Schools, 128(3), 134-139. <https://doi.org/10.2991/icet-17.2017.22>
- Kuratko, D. F., & Morris, M. H. (2018). Examining the future trajectory of entrepreneurship. *J. Small Bus. Manag.* 56, 11–23. doi: 10.1111/jsbm.12364
- Luczkiw, E (2008). Entrepreneurship Education in an age of Chaos, Complexity and Disruptive Change. in potter, J. (Ed), *Entrepreneurship and higher education: 65-93*. OECD publishing. <https://doi.org/10.1787/9789264044104-5-en>.
- Mahmudin, T. (2023). The Importance of Entrepreneurship Education in Preparing the Young Generation to Face Global Economic Challenges, *Journal of Contemporary Administration and Management (ADMAN)*, 1(3): 187-192. <https://doi.org/10.61100/adman.v1i3.78>
- Mazaheri, E., & Baratali, M. (2022). A model for designing teaching-learning space based on brain-centered approach in physical dimension for primary schools, *Iranian Journal of Educational Research*, 1(3): 37-46. <https://doi.org/10.52547/ijer.1.3.37>
- Miço, H. & Cungu, J.(2023). *Entrepreneurship Education, a Challenging Learning Process towards Entrepreneurial Competence in Education*. *Administrative Sciences* 13: 22. <https://doi.org/10.3390/admsci13010022>.
- Morris, M. H., Santos, S. C., & Neumeyer, X. (2020). Entrepreneurship as a solution to poverty in developed economies. *Business Horizons*, 63(3), 377-390. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0007681320300240>
- Motta, V.F., Galina, S.V.R. (2023). Experiential learning in entrepreneurship education: A systematic literature review. *Teaching and Teacher Education*, 121, 103919. <https://doi.org/10.1016/j.tate.2022.103919>

- Mubango, H., Petronella, M., & Regis, M. (2025). Transforming Rural Learning Spaces: The Role of Entrepreneurship Education on Promoting Sustainable Development in Zimbabwe, *IJRIS*, 9(IIS), 5738-5755. DOI: 10.47772/IJRIS
- Munyaradzi-Ndofirepi, T. (2020). Relationship between entrepreneurship education and entrepreneurial goal intentions: psychological traits as mediators. *Journal of Innovation and Entrepreneurship*, 9 (2), 1-20. doi: 10.1186/s13731-020-0115-x
- Morawska-Jancelewicz, J. (2022). The role of universities in social innovation within quadruple/quintuple helix model: Practical implications from polish experience. *Journal of Knowledge Economy*, 13, 2230-2271. <https://doi.org/10.1007/s13132-021-00893-9>
- Neck, H., & Corbett, A. (2018). The Scholarship of Teaching and Learning Entrepreneurship, *Entrepreneurship Education and Pedagogy*, 1(1): 8-41. <https://doi.org/10.1177/2515127417737286>
- Orodho, J., Waweru, P., & Getange, K. (2014). Progress Towards Attainment of Education for All (EFA) among Nomadic Pastoralists: How Do we Dismantle the Gender Differential Jinx in Mandera County, Kenya?, *IOSR Journal Of Humanities And Social Science*, 19(2): 106-117. www.iosrjournals.org. <https://doi.org/10.9790/0837-1922106117>
- Othman, N., & Othman, S. H. (2017). The perception of public university students of entrepreneurship education in Malaysia. *International Business Management*, 11(4), 865-873 .doi:[10.36478/ibm.2017.865.873](https://doi.org/10.36478/ibm.2017.865.873).
- Peschl, H., Deng, C., & Larson, N. (2020). Entrepreneurial thinking: A signature pedagogy for an uncertain 21st century. *The International Journal of Management Education*, 19(1), 100427. <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2020.100427>
- Pinto, L. E., & Blue, L. E. (2016). Pushing the entrepreneurial prodigy: Canadian Aboriginal entrepreneurship education initiatives. *Critical Studies in Education*, 57(3): 358–375. <https://doi.org/10.1080/17508487.2015.1096291>
- Preedy, S., McLuskie, P., Walmsley, A., & Smith, K. (2025). 'Development of Entrepreneurial Identity and Intent in the early years of Higher Education,' *International Journal of Entrepreneurial Behavior & Research*, 31(9), 2271-2294. <https://pearl.plymouth.ac.uk/pbs-research>. <https://doi.org/10.1108/ijebr-08-2023-0879>.
- Raappana, A. & Pihkala, T. (2024). Three explanations for the development of adolescents' entrepreneurial potential, *International Journal of Educational Research*, 123, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.ijer.2023.102272>.
- Ratković, T., Šlogar, H., & Šokčević, S. (2022). Entrepreneurial competencies of university students. *Economics and Sociology*, 15(4), 129-145. doi:[10.14254/2071-789X.2022/15-4/6](https://doi.org/10.14254/2071-789X.2022/15-4/6)

- Ratten, V., & Jones, P. (2021). COVID-19 and entrepreneurship education: Implications for advancing research and practice. *International Journal of Management Education*, 19, 100432. <https://doi.org/10.1016/j.ijme.2021.100432>
- Rivera, R. & Borasky, D. (2011). *Research Ethics Training Curriculum*, Second Edition. Research Triangle Park, NC 27709.
- Scott, C. L., & Ivala, E. N. (Eds.). (2019). *Transformation of Higher Education Institutions in Post-Apartheid South Africa*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781351014236>
- Shrivastava, U., & Acharya, S. R. (2021). Entrepreneurship education intention and entrepreneurial intention amongst disadvantaged students: an empirical study. *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, 15(3), 313-333. <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/JEC-04-2020-0072/full/html>
- Sansone, G., Battaglia, D., Landoni, P., & Paolucci, E. (2021). Academic spinoffs: The role of entrepreneurship education. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 17, 369-399. <https://doi.org/10.1007/s11365-020-00651-2>
- Suresh, K., & Srinivasan, P. (2019). Education for nomads in India – status and need to design separate curriculum, *INFOKARA RESEARCH*, 8(12):1286-1296. <https://www.researchgate.net/publication/340253973>
- Vasumathi, T. (2020). Entrepreneurship in the Internet Era: How should Classroom Assessment Support Entrepreneurial Education in Schools. *Our Heritage*, 68 (1), 199-208.
- Wibowo, A., Saptono, A., & Suparno, (2018). Does Teachers' Creativity impact on Vocational Students' Entrepreneurial Intention? *Journal of Entrepreneurship Education*, 21(3).
- Zhang, J. (2020). Pedagogical alignment for entrepreneurial development. *Entrepreneurship Education*, 3(3), 239-244. <https://doi.org/10.1007/s41959-020-00039-z>